افعال ناقصه از کتاب مبادی العربیة

- توضیح کلی افعال ناقصه
  - افعالی که
    - بر مبتدا و خبر داخل می شوند
    - مبتدا را اسم خود قرار می دهند
    - خبر را خبر خود قرار می دهند
    - مثل: کان البرد قارساً
  - انواع افعال ناقصه
    - از حیث تصریف
      - تام التصریف — هم ماضی هم مضارع هم امر هم اسم فاعل و اسم مفعول استعمال می شود
        - کان — معنی آن
        - صار — معنی آن
        - اصبح — معنی آن
        - امسی — معنی آن
        - اضحی — معنی آن
        - ظلّ — معنی آن
        - بات — معنی آن
        - اتصاف اسم به خبر در زمان دگرگونی و انتقال اسم به
        - اتصاف اسم به خبر در زمان
        - اتصاف اسم به خبر در زمان صبح
        - اتصاف اسم به خبر در زمان
        - اتصاف اسم به خبر در زمان ظهر
        - اتصاف اسم به خبر در زمان روز
        - اتصاف اسم به خبر در شب
      - ناقص التصریف — ماضی و مضارع اش استعمال می شود
        - مازال — معنی آن
        - مافتیء — معنی آن
        - ما انفکّ — معنی آن
        - ما برح — معنی آن
        - ملازمه خبر به اسم
      - ممنوع التصریف — فقط ماضی اش استعمال می شود
        - لیس — معنی آن
        - مادام — معنی آن
        - استمرار خبر در مورد اسم
    - از حیث استعمال
      - فقط استعمال ناقص دارد
        - لیس
        - مافتیء
        - ما زال
      - علاوه بر استعمال ناقص ، استعمال تام هم دارد
        - کان — معنای تام
        - ظلّ — معنای تام
        - بات — معنای تام
        - امسی — معنای تام
        - اضحی — معنای تام
        - اصبح — معنای تام
        - صار — معنای تام
        - انفکّ — معنای تام
        - برح — معنای تام
        - دام — معنای تام
        - حصل ،ثبت
        - استمرّ
        - نزل لیلاً
        - دخل فی
        - دخل فی
        - دخل فی
        - دخل فی الصباح
        - انتقل
        - انفصل
        - ذهب
        - بقی
        - در این صورت فقط فاعل می گیرد

احکام باب افعال ناقصه

- احکام مشترک بین افعال
  - مشتقات این افعال مثل خودشان اسم و خبر می
  - مصدر این افعال به اسم خود اضافه می شود و لذا همیشه لفظاً مجرور و محلاً مرفوع است
  - اگر خبر این افعال جمله فعلیه باشد یا باید
    - آن فعل مضارع باشد
    - ماضی مقرون به قد باشد
    - در کان ماضی بدون قد اشکال ندارد
- احکام مختص
  - به اسم نواقص
    - همه احکام بین فعل و فاعل برای اسم نواقص با فعل ناقصه جاری می شود مثل
      - وجوب تاخیر از فعل
      - افراد فعل در صورت ظاهر بودن اسم
  - به خبر نواقص
    - همه احکام خبر مبتدا در خبر نواقص هم جاری می شود مثل
      - احکام تقدیم و تاخیر
      - احکام تعریف و تنکیر
    - نکته مهم | تقدم خبر بر خود افعال
      - در صورت جمله بودن
        - جایز است ولی بهتر است مقدم نشود
        - مثل: یزورنا کان الامیر
        - خبر مقدم کان-کان ناقصه – اسم کان
      - در صورت مفرد بودن
        - جایز نیست
          - بر لیس
          - بر دام
          - بر هر فعلی که با ما نافیه یا مصدریه اغاز شود
          - مثل: ما کان احسن الریاض

به افعال ناقصه

- کان
  - زائده واقع می شود
    - بین دو شیئ متلازم برای دلالت بر زمان گذشته
    - مثل: ما کان الله بظلامٍ للعبادِ
  - در خبرش با زائده می اید
    - در صورتی که قبلش ادات نفی بیاید
  - جواز حذف نون در مضارع مجزوم
    - به شرط اینکه بعدش همزه وصل ضمیر اتصب حرف ساکن هم نباشد
    - مثل: لَم أکُ مومناً
    - تقدیرش: لَم أکُن مومناً
  - حذف می شود
    - خود کان به تنهایی
      - بعد از آن مصدریه
      - به شرط اینکه ما زائده بجایش اسم و خبرش باقی بماند
      - مثل: أمّا انت راضیاً رضوا
    - خود کان با اسمش
      - بعد از اِن و لو شرطیه
      - مثل: إفعل هذا إمّا لا
      - تقدیرش: إن کنت لاتفعل غیره
    - کان و اسم و خبرش
      - بعد از اِن شرطیه
      - مثل: ستجازی إن خیراً و إن شرّاً
- لیس
  - جایز است در خبرش با زائده شود
    - لیس اللهُ بظالمٍ
    - مثل: قال الجاهل لیس فی قلبه اله
    - تقدیرش: لیس فی قلبه الهٌ موجوداً
  - خبرش حذف می شود
  - عملش نقض می شود
    - اگر بعدش الّا باشد
    - مثل: لیس الطیّبُ الّا المسکُ
    - نکته مهم: نقض عمل لیس به وسیله الّا طبق قول بنی تمیم صحیح است و اهل حجاز عمل ان را نقض نمیکنند